

ناهمسویی هنجارهای خانه و مدرسه و رابطه‌ی آن با ناهمسویی دانش‌آموزان

دکتر مجید کاشانی

عضو هیأت علمی دانشگاه

چکیده

هدف اصلی این تحقیق شناخت میزان و چگونگی رابطه‌ی همسویی یا ناهمسویی هنجارهای خانه و مدرسه در سه محور: «دینی-اخلاقی»، «آموزشی» و «سیاسی» با میزان همسویی یا ناهمسویی دانش‌آموزان با خانه، مدرسه و گروه همسالان بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که اکثریت دانش‌آموزان نسبت به هنجارهای دینی-اخلاقی، آموزشی و سیاسی مطرح شده در پرسش‌نامه، گرایش منفی داشته‌اند؛ دوستان صمیمی آن‌ها مانند خود، پدر و مادرشان گرایش مثبت، و مربیان تربیتی آن‌ها نیز گرایش کاملاً مثبتی نسبت به این هنجارها داشته‌اند. از طرف دیگر اکثریت دانش‌آموزان بیش‌ترین ناهمسویی را با مدرسه در امور دینی-اخلاقی، و در مرتبه‌ی بعد، سیاسی داشته‌اند. ناهمسویی دینی-اخلاقی دانش‌آموزان و مدرسه با فاصله‌ی سنی والدینشان رابطه‌ی معکوس داشته و در نتیجه جوان‌تر بودن والدین، موجب ناهمسویی دینی-اخلاقی بیش‌تر دانش‌آموزان با مدرسه شده است. آزمون‌های آماری حاکی از آن است که میزان ناهمسویی بین دانش‌آموزان و مدرسه تا اندازه‌ی زیادی تحت تاثیر ناهمسویی خانه و مدرسه‌ی آنان، و جهت رابطه‌ی ناهمسویی دانش‌آموزان و مدرسه با ناهمسویی خانه و مدرسه، مستقیم بوده است. ناهمسویی دینی-اخلاقی دانش‌آموزان پر بیش‌تر از دانش‌آموزان دختر بوده و با افزایش دفعات تماس والدین با مدرسه از ناهمسویی دانش‌آموزان

با مدرسه کاسته شده است و برعکس. هم چنین استفاده‌ی بیش‌تر از لوازم سمعی-بصری (ماهواره، اینترنت، و...)، ساعات صرف شده با دوستان صمیمی، دفعات شرکت والدین، در جلسات آموزش خانواده و تحصیلات والدین با ناهمسویی دینی-اخلاقی رابطه‌ی مستقیم داشته است. سطح درآمد بالاتر موجب ناهمسویی بیش‌تر خانه با مدرسه شده است. اکثریت دانش‌آموزان با مدرسه ناهمسویی سیاسی داشته‌اند و ناهمسویی دختران بیش از پسران بوده است.

◀ **کلید واژه‌ها:** هنجارهای خانه و مدرسه، ناهمسویی دانش‌آموزان، گروه همسالان، فاصله‌ی سنی، مشارکت والدین، سطح درآمد.



مقدمه

امروزه خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد پایدار اجتماعی در همه‌ی کشورهای جهان بیش‌ترین سهم را در تربیت کودکان و نوجوانان به عهده دارند. خانه و مدرسه به صورت مستقیم و غیرمستقیم به پرورش جسم و روح کودکان و نوجوانان می‌پردازند و در شکل‌گیری و قوام شخصیت اجتماعی آن‌ها نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کنند. یکی از وجوه تربیتی در این دو نهاد، همسویی یا ناهمسویی آنها با یکدیگر و تلاش برای همسو نمودن و هم‌نوا کردن دانش‌آموزان با ارزش‌ها، باورها، اعتقادات دینی، قواعد رفتاری و هنجارهای اجتماعی جامعه است. اهم هنجارهای غالب در مدرسه، دارای شکل رسمی و در خانه دارای شکل غیر رسمی است. از سوی دیگر میزان اهمیت و تلاش خانه و مدرسه برای رعایت این چارچوب‌ها با یکدیگر یکسان نیست. با این وجود، تصویری واحد از کلیت هنجارها و مقررات خانه و مدرسه در ذهن دانش‌آموزان شکل می‌گیرد؛ و البته هر قدر کودک تجربه‌ی بیش‌تری با رشد جسمی و ذهنی خود بدست می‌آورد، این تفاوت‌ها را بیشتر لمس و درک می‌کند.

در اکثر کشورهای توسعه نیافته، به‌علت مرادوده با سایر فرهنگ‌ها و به ویژه گرایش بیش از حد به ارزش‌های بیگانه، فرهنگ بومی دچار تعارض و چند سویی می‌شود و به همین علت جامعه از وفاق و هماهنگی بین خرده نظام‌های اجتماعی خود بازمانده و در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، از جمله درونی کردن هنجارهای مشترک، دچار ناهمسویی می‌شود. با وجود آن که ناهمسویی بین دو نهاد خانه و مدرسه، مقوله‌ای کلان و خارج از ظرفیت اجرایی آن‌هاست، با این همه به نظر می‌رسد از طریق توجه بیش‌تر به ضعف‌ها و نقایص موجود و از طریق برنامه‌ریزی جامع می‌توان بین این دو نهاد هماهنگی و همسویی به وجود آورد. این موضوع در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است که تا اندازه‌ای عوامل مبین آن شناخته شود.

به زعم جورج هربرت مید انسان قادر است در فکر و عمل، خویشتن را به جای همگنان اجتماعی خویش قرار دهد؛ یعنی در حین کنترل اعمال خود تجسمی نیز از نقش شرکت‌کنندگان دیگر داشته باشد و بدین لحاظ رفتار خود

را با در نظر گرفتن عمل اجتماعی همگانی و عمومی، زیر نظارت و مراقبت خویش در آورد (توسلی، ۱۳۷۵: ۳۰) فرآیند مراقبت از رفتار اجتماعی و نتیجه‌ی آن یعنی همسویی و هم‌نوایی با دیگران، از محیط خانه آغاز می‌شود و سپس این فرآیند در محیط مدرسه تکمیل‌تر می‌شود و تا پایان عمر ادامه می‌یابد؛ اما این فرآیند در سال‌های اولیه‌ی زندگی انسان با اهمیت‌تر است. با پا گذاشتن کودک به مدرسه، دامنه‌ی آموخته‌ها و الگوپردازی از رفتارها، به ویژه مواجه شدن و الزام به درونی کردن قواعد و هنجارهای رسمی، بیش از پیش برای او مهیا می‌شود.

با دخالت سایر نهادهای جامعه از جمله رسانه‌ها، کوشش‌ها، تعارضات و تضادهای مختلفی در راه هم‌نوایی افراد بروز می‌یابد و چه بسیارند الگوها و قواعد اخلاقی که هیچ‌گونه وفاق و اشتراک نظری درباره‌ی آن‌ها وجود ندارد. پس در این جا این سؤال مطرح می‌شود که کودک در میان انبوه الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، قواعد اخلاقی هنجارهای اجتماعی گوناگون و گاه متعارض که در محیط خانه و مدرسه وجود دارند، چگونه دست به انتخاب و هم‌نوایی با آنها می‌زند؟ از دیدگاه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جریان سازندگی و همسویی نسل جدید با نسل‌های گذشته تحت تاثیر عوامل اجتماعی گوناگون است. گروه‌های انسانی برای آن‌که که بتوانند سازمان خود را حفظ نموده و به زندگی خود ادامه دهند، ناگزیر از آن‌اند که پیوسته افراد جدید را با خود همساز گردانند و برای زندگی گروهی آماده کنند. «هم‌نوایی گروهی» نتیجه‌ی این همسازی است. البته هم‌نوایی گروهی دارای مراتبی است. (آگرن و نیم کف، ۱۳۵۸: ۱۵۵) از دیدگاه امیل دورکیم همسویی فرد با جامعه دارای دو شکل عمده است: همسویی مبتنی بر اصل مشابهت و همسویی مبتنی بر اصل هم‌گرایی. هم‌سویی مبتنی بر مشابهت و متابعت رفتار به صورت مکانیکی، اختصاص به جوامع ابتدایی دارد؛ حال آن‌که در جوامع مدرن هم‌سویی افراد مبتنی بر هم‌گرایی، تقسیم کار و نوعی هم‌بستگی ارگانیکی یا تطبیق به صورتی آگاهانه‌تر است (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۲۴۴) اما چگونه چنین چیزی ممکن است؟ پاسخ دورکیم این است که افراد بر مبنای نیاز و نفعشان چنین رفتاری را از

خود بروز می‌دهند. آن‌ها در می‌یابند که کدام رفتار نفع بیش‌تر و رنج کمتری دارد؛ آنگاه دست به انتخاب می‌زنند (همان: ۳۴۵) به زعم دورکیم، مدرسه، میانجی اخلاق عاطفی خانواده و اخلاق سخت‌ زندگی در جامعه است (علاقه‌مند، ۱۳۷۴: ۱۴۷) در مدرسه رفتارهای خودخواهانه‌ی کودک که در اساس ناپایدار هم هستند، تحت تسلط انضباط اخلاقی، تعدیل شده و شخصیتی پایدار و منظم در کودک به وجود می‌آید. انضباط اخلاقی در صورتی در شخصیت کودک پایدار می‌شود که با تضمین در خانه و مدرسه همراه باشد. ناگفته پیداست که از دیدگاه دورکیم، در هر جامعه‌ای، نوع به خصوصی از آموزش و پرورش شکل می‌گیرد؛ لذا هر چند مربیان می‌توانند تا اندازه‌ای در اجتماعی شدن و تربیت صحیح نونهالان یک جامعه نقش مؤثری ایفا کنند، اما هیچ مربی و مدرسه‌ای معجزه‌گر نیست! و نمی‌تواند شعری جدید بسراید. بدیهی است هر قدر بین ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خانه و مدرسه هم‌سویی بیش‌تری وجود داشته باشد دانش‌آموزان نیز با شخصیتی منسجم‌تر پرورش می‌یابند و برعکس به طور مسلم نتیجه‌ی این فرایند، همسویی یا ناهمسویی خانه و مدرسه و متعاقب آن همسویی یا ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه و خانه در امور مختلف دینی- اخلاقی، آموزشی و سیاسی است. با شناخت ابعاد، چگونگی، میزان و از همه مهم‌تر عوامل و عناصر مرتبط با ناهمسویی دانش‌آموزان، می‌توان در علاج این آسیب اقدام کرد و با برنامه‌ریزی دقیق‌تر به نزدیک شدن بیش‌تر دو نهاد پایدار خانه و مدرسه بیش از پیش کمک نمود.

روش پژوهش

نوع سازه‌ی این تحقیق توصیفی پس‌رویدادی است، روش اصلی کار، پیمایش و از طریق دانش‌آموزان سال سوم دبیرستانی عادی دولتی در مناطق نوزده‌گانه‌ی شهر تهران، انجام شده است. انتخاب شیوه جمع‌آوری اطلاعات و ساخت ابزارهای مناسب جهت سنجش متغیرهای تحقیق، با توجه به این روش تحقیق صورت گرفته است. در این تحقیق از پرسشگران آموزش دیده استفاده شده و جمعیت نمونه، پس از بلوک‌بندی مناطق شهر تهران (و آموزشگاه‌های آن) و پس از تعیین طبقات اصلی جامعه‌ی آماری به روش خوشه‌ای چند درجه‌ای در

هر طبقه، انتخاب گردیده است. جامعه‌ی آماری، دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دوره‌ی متوسطه در دبیرستان‌های دولتی عادی مناطق نوزده‌گانه‌ی شهر تهران بوده است. نظر به این‌که موضوع و روش اصلی تحقیق، هم درباره‌ی پسران و هم درباره‌ی دختران دانش‌آموز مصداق داشت، از این نظر هر دو جنس به عنوان افراد جامعه‌ی آماری انتخاب شدند؛ سپس به منظور تحدید جامعه‌ی آماری از متغیرهای مختلف دیگری نظیر: - دولتی بودن؛ مدارس عادی بودن؛ سال سوم (پایه‌ی سوم) بودن؛ اشتغال به تحصیل داشتن؛ در مناطق نوزده‌گانه‌ی شهر تهران بودن؛ و مانند آن بهره‌گیری شد تا آمار میلیونی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه، تحدید گردد. مطابق آخرین آمار رسمی منتشر شده از طرف دفتر خدمات ماشینی آمار و اطلاعات آموزش و پرورش، آمار دانش‌آموزان شهر تهران (آمار آموزش و پرورش، ۸۰-۸۱) مبنای نمونه‌گیری بوده است.

جمع‌آوری اطلاعات از همه‌ی مناطق شهر تهران (در ۱۹ منطقه) دارای اهمیت بوده است؛ لذا در این پژوهش به صورت طبقه‌ای غیر متناسب برای هر یک از مناطق، تعداد ۳۰ پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات از پسران و تعداد ۳۰ پرسشنامه نیز برای جمع‌آوری اطلاعات از دختران، جمعاً در هر منطقه تعداد ۶۰ پرسشنامه در نظر گرفته شد.

روش جمع‌آوری اطلاعات

از همه‌ی مناطق نوزده‌گانه‌ی شهر تهران برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. پس از انتخاب تصادفی دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه‌ی دولتی، به صورت مجزا پرسشگران زن و مرد که عموماً از دانشجویان رشته‌ی علوم اجتماعی بودند، به ازای هر منطقه دو نفر به این مدارس رجوع می‌کردند و به صورت تصادفی، از مجموع کلاس‌های پایه سوم یک کلاس ۳۰ نفری را برای جمع‌آوری اطلاعات انتخاب می‌کردند.

تحلیل یافته‌های پژوهش:

۱- میزان موافقت با تماشا کردن صحنه‌های غیرمجاز فیلم‌های ویدئویی و ماهواره‌ای:

۱-۱) دانش‌آموزان پسر موافق و دانش‌آموزان دختر مخالف، دوستان صمیمی دانش‌آموزان دختر مخالف، مادر دانش‌آموزان پسر مخالف، مادر دانش‌آموزان دختر مخالف، پدر دانش‌آموزان دختر و پسر مخالف و مربیان تربیتی بسیار مخالف بوده‌اند.

۱-۲) با این که دانش‌آموزان دختر و سایر اطرافیان او با تماشا کردن صحنه‌های غیرمجاز فیلم‌ها مخالفت کرده‌اند، با این وجود این مخالفت برای دختران در همه‌ی طبقات بیش‌تر از پسران بوده است.

۱-۳) با توجه به تحلیل آزمون‌های آماری با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، رابطه‌ی معناداری بین گرایش دانش‌آموزان (هر دو گروه جنسی) با نظرات دوستان صمیمی، پدر و مادر و مربیان تربیتی ملاحظه می‌شود؛ و شدت رابطه بین نظر دانش‌آموزان با دیگران به ترتیب از بیش‌ترین به کم‌ترین میزان عبارت است از: دوست صمیمی، مادر، پدر و امور تربیتی. جهت رابطه‌ی گرایش دانش‌آموزان در هر دو گروه جنسی با گرایش دوست صمیمی، پدر و مربیان تربیتی مستقیم و مثبت بوده است.

۲- میزان موافقت با استفاده جوانان از لباس‌های مد روز:

۲-۱) دانش‌آموزان پسر موافق، دانش‌آموزان دختر بسیار موافق، دوست صمیمی دانش‌آموزان پسر و دختر موافق، مادر دانش‌آموزان دختر موافق و مادر دانش‌آموزان پسر بی‌نظر، پدر دانش‌آموزان پسر بی‌نظر و مخالف و پدر دانش‌آموزان دختر بی‌نظر و موافق، مربیان دانش‌آموزان پسر و دختر نیز بسیار مخالف بودند.

۲-۲) در مقایسه‌ی دو گروه جنسی ملاحظه می‌شود دانش‌آموزان دختر بیش‌از پسران، دوستان صمیمی دانش‌آموزان دختر بیش‌از دوستان صمیمی پسران،

پدر و مادران دختران بیش از پسران، و مربیان تربیتی دختران بیش از مربیان تربیتی پسران با استفاده‌ی جوانان از لباس‌های مد روز موافقت داشتند.

۲-۳) مطابق آزمون‌های آماری به استثنای مربیان تربیتی، با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، رابطه‌ی معناداری بین نظر دانش‌آموزان با نظرات دوستان صمیمی، مادر و پدران ملاحظه می‌شود و رابطه‌ی نظر دانش‌آموزان با دیگران به ترتیب از بیش‌ترین به کم‌ترین میزان شدت عبارت است از: دوست صمیمی، مادر، پدر و سپس امور تربیتی.

۲-۴) به استثنای رابطه‌ی مادر و دختران دانش‌آموز، در همه‌ی طبقات، شدت رابطه‌ی بین دانش‌آموزان پسر با گرایش دیگران بیش‌تر از دختران بوده و در همه‌ی طبقات جهت رابطه بین نظر دانش‌آموزان و دیگران مستقیم و مثبت بوده است.

۳- گرایش دانش‌آموز و اطرافیان او درباره‌ی استفاده‌ی جوانان از مدل‌های جدید آرایش موی سر و صورت:

۳-۱) دانش‌آموزان پسر موافق، دانش‌آموزان دختر مخالف، دوست صمیمی دانش‌آموزان پسر و دختر موافق، مادر و پدر دانش‌آموزان پسر و دختر مخالف، و مربیان تربیتی هر دو جنس (دختر و پسر) بسیار مخالف بوده‌اند.

۳-۲) در مقایسه‌ی دو طبقه‌ی دختران و پسران ملاحظه می‌شود: دانش‌آموزان پسر بیش‌تر از دانش‌آموزان دختر، دوستان صمیمی دختران و پسران مساوی، پدر و مادر دختران بیش‌تر از پدر و مادر پسران، و مربیان تربیتی دختران بیش‌تر از مربیان پسران با این رفتار مخالفت کرده‌اند. به علاوه آزمون‌های آماری نیز نشان می‌دهند:

- با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، رابطه‌ی معناداری بین نظر دانش‌آموزان و نظرات دوستان صمیمی، پدر و مادر و امور تربیتی در همه‌ی طبقات وجود دارد و شدت رابطه از بیش‌ترین به کم‌ترین میزان عبارت است از: دوستان صمیمی، مادر و پدر، و امور تربیتی.

- جهت رابطه‌ی گرایش دانش‌آموزان در هر دو گروه جنسی با دیگران مستقیم بوده است.

۴- میزان موافقت با دوستی دانش‌آموزان با جنس مخالف

۴-۱) بیش‌ترین میزان فراوانی دانش‌آموزان پسر بسیار موافق و دختران موافق، دوستان صمیمی پسران و دختران نیز مانند خودشان بوده‌اند، مادر دانش‌آموزان پسر و دختر مخالف، گرایش پدر دانش‌آموزان دختر بسیار مخالف، و پسران مخالف بوده است.

۴-۲) در مقایسه‌ی دو طبقه‌ی دانش‌آموزان پسر با دختر ملاحظه می‌شود، پسران بیش از دختران موافق، پدر و مادر و مربیان تربیتی پسران کم‌تر از پدر و مادر و مربیان تربیتی دختران نسبت به دوست شدن دانش‌آموزان با جنس مخالف گرایش منفی داشته‌اند. آزمون‌های آماری نشان می‌دهند:

- به استثنای مربیان تربیتی با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، رابطه‌ی معناداری بین نظر دانش‌آموزان پسر و دختر با نظر دوستان صمیمی مادر، پدر و مربیان تربیتی آنان ملاحظه می‌شود. شدت رابطه بین نظر دانش‌آموز با دیگران به ترتیب از بیش‌ترین به کم‌ترین میزان عبارت است از: دوست صمیمی، مادر، پدر و امور تربیتی.

۴-۳) به استثنای نظر دختران دانش‌آموز و پدرانشان، شدت رابطه‌ی بین نظر دختران با دوستان صمیمی، مادران و مربیان تربیتی‌شان بیش‌تر از شدت رابطه پسران با این افراد بوده است.

۴-۴) جهت رابطه‌ی نظر دانش‌آموزان (دختر و پسر) با دیگران مستقیم و مثبت بوده است.

۵- مقایسه انواع ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه:

بیش‌ترین ناهمسویی دانش‌آموزان دختر با مدرسه؛ با یک سطح ناهمسویی، به ترتیب: امور آموزشی ۳۴/۴ درصد، در امور سیاسی ۳۲/۳ درصد و در امور دینی-اخلاقی ۲۸/۸ درصد بوده است و بیش‌ترین ناهمسویی دانش‌آموزان دانش‌آموزان پسر با مدرسه با یک سطح ناهمسویی در امور سیاسی ۳۵/۳ درصد و با دو سطح ناهمسویی، به ترتیب: امور دینی-اخلاقی ۳۲/۷ درصد و امور آموزشی نیز با دو سطح ناهمسویی

۲۵/۳ درصد بوده است. با توجه به مجموع کل ناهمسویی‌ها تا همسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموزان با مدرسه بیش‌تر از سایر ناهمسویی‌ها بوده است.

۶- مقایسه انواع ناهمسویی خانه با مدرسه

بیش‌ترین ناهمسویی خانه و مدرسه‌ی دانش‌آموزان دختر با یک سطح ناهمسویی به ترتیب: در امور دینی - اخلاقی ۴۱/۴ درصد، در امور سیاسی ۳۵/۹ درصد و در امور آموزشی ۳۳/۵ درصد بوده است و همچنین ملاحظه می‌شود بیش‌ترین ناهمسویی خانه و مدرسه‌ی دانش‌آموزان پسر با یک سطح ناهمسویی به ترتیب: در امور دینی - اخلاقی ۳۹/۰ درصد، در امور آموزشی ۳۴/۸ درصد، و در امور سیاسی ۳۳/۶ درصد، بوده است.

۷- ناهمسویی دینی - اخلاقی خانه و مدرسه و ناهمسویی آموزشی دانش‌آموزان با مدرسه:

بیش‌ترین دانش‌آموز پسری که دو سطح ناهمسویی در امور آموزشی با مدرسه داشته‌اند (تعداد ۶۵ نفر یا ۱۲/۰ درصد) کسانی بوده‌اند که خانواده‌ی آنان در امور دینی - اخلاقی، یک سطح با مدرسه ناهمسویی داشته‌اند، و همچنین بیش‌ترین دانش‌آموز دختری که دو سطح ناهمسویی در امور آموزشی با مدرسه داشته‌اند (تعداد ۵۷ نفر یا ۱۰/۳ درصد) کسانی بوده‌اند که خانواده‌ی آنان در امور دینی - اخلاقی یک سطح با مدرسه ناهمسویی داشته‌اند؛ با این تفاوت که میزان ناهمسویی دینی - اخلاقی خانواده‌ی دختران کم‌تر از پسران بوده است. به علاوه تحلیل آزمون‌های آماری ناهمسویی دینی - اخلاقی خانه و مدرسه‌ی دانش‌آموزان و سایر عوامل نشان می‌دهد:

۱-۷) با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، بین دفعات تماس والدین دانش‌آموزان پسر با مدرسه و تحصیلات والدین دانش‌آموزان دختر و پسر، با ناهمسویی خانه و مدرسه‌ی آنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۲-۷) دفعات شرکت والدین در جلسات آموزش خانواده و میزان درآمد خانواده هیچگونه رابطه‌ی معناداری با ناهمسویی خانه و مدرسه نداشته است.

۷-۳) جهت رابطه بین دفعات تماس والدین دانش‌آموزان دختر با مدرسه، دفعات شرکت در جلسات آموزش خانوادگی والدین پسران، تحصیلات پدر پسران و میزان درآمد خانوادگی پسران با ناهمسویی خانه و مدرسه معکوس (منفی) بوده است؛ به این معنی که هر قدر تماس والدین دانش‌آموزان دختر با مدرسه بیشتر بوده است، ناهمسویی آنان با مدرسه کاهش پیدا کرده است و برعکس.

۸- ناهمسویی سیاسی خانه و مدرسه با ناهمسویی مدرسه در امور آموزشی

بیش‌ترین دانش‌آموز پسری که یک سطح ناهمسویی در امور آموزشی با مدرسه داشته‌اند (تعداد ۶۶ نفر یا ۱۳/۴ درصد) کسانی بوده‌اند که خانوادگی آنان هیچگونه ناهمسویی سیاسی با مدرسه نداشته‌اند، و همچنین بیش‌ترین دانش‌آموز دختری که یک سطح ناهمسویی در امور آموزشی با مدرسه داشته‌اند (تعداد ۷۴ نفر یا ۱۴/۴ درصد) نیز کسانی بوده‌اند که خانوادگی آنان در امور آموزشی یک سطح با مدرسه ناهمسویی داشته‌اند، با این تفاوت که میزان ناهمسویی سیاسی خانوادگی دختران بیش‌تر از پسران بوده است.

۹- ناهمسویی آموزشی خانه با مدرسه و ناهمسویی آموزشی دانش‌آموزان با مدرسه

بیش‌ترین دانش‌آموز پسری که یک سطح ناهمسویی در امور آموزشی با مدرسه داشته‌اند (تعداد ۱۰۶ نفر یا ۱۹/۱ درصد) کسانی بوده‌اند که خانوادگی آنان نیز در امور آموزشی - یک سطح با مدرسه ناهمسویی داشته‌اند، همچنین بیش‌ترین دانش‌آموز دختری که یک سطح ناهمسویی در امور آموزشی با مدرسه داشته‌اند (تعداد ۱۱۴ یا ۲۰/۳ درصد) نیز کسانی بوده‌اند که خانوادگی آنان در امور آموزشی، یک سطح با مدرسه ناهمسویی داشته‌اند؛ با این تفاوت میزان ناهمسویی آموزشی خانوادگی دختران بیش‌تر از پسران بوده است. همچنین مطابق آزمون‌های آماری:

۹-۱) با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، بین ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه و نظر دوستان صمیمی‌شان در امور آموزشی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و شدت این رابطه در بین دختران بیش‌تر از پسران بوده است.

۲-۹) با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، بین ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه و نظر مادرانشان در امور آموزشی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و شدت این رابطه در بین دختران بیش‌تر از پسران بوده است.

۳-۹) با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، بین ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه و نظر پدرانشان در امور آموزشی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و شدت این رابطه در بین پسران بیش‌تر از دختران بوده است.

تحلیل آزمون‌های آماری جدول (۱) :

۱) با احتمال ۹۹ و ۹۵ درصد اطمینان، بین ناهمسویی دانش‌آموزان در امور دینی- اخلاقی با مدرسه و دفعات تماس والدین با مدرسه، دفعات شرکت والدین پسران در جلسه‌ی آموزش خانواده‌ی مدرسه، دارا بودن تعداد بیش‌تر وسایل دیداری- شنیداری در منزل، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر دختران، فاصله‌ی سنی با مادر پسران، درآمد خانواده و ساعات صرف وقت با دوستان صمیمی در طول هفته رابطه‌ی معناداری وجود داشته است.

۲) شدت رابطه بین ناهمسویی دانش‌آموزان در امور دینی و اخلاقی و دارا بودن تعداد بیش‌تر لوازم دیداری- شنیداری در خانه، تحصیلات پدر دختران، تحصیلات مادر دختران و درآمد خانواده‌ی دختران نسبت به سایر عوامل نظیر: فاصله‌ی سنی با پدر و مادر، ساعات ملاقات دوستان در هفته و... بیش‌تر بوده است.

۳) جهت رابطه بین دفعات تماس والدین دانش‌آموزان پسر و دختر با مدرسه، فاصله‌ی سن پدر با پسران و دختران، و فاصله‌ی سنی مادر و دختران با میزان ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه در امور دینی- اخلاقی رابطه‌ی معکوس (منفی) وجود داشته است.

جدول ۱: آزمون‌های ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموزان با مدرسه و سایر عوامل

دختر				پسر				نوع آزمون	ناهمسویی و سایر عوامل
N	sig	df	مقدار	N	sig	Df	مقدار		
۵۶۲	۰/۰۱۲	۲۰	۲۶/۵	۵۴۲	۰/۰۰	۲۰	۴۱/۷	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با دفعات تماس والدین با مدرسه
۵۶۲	۰/۶۷۲	-	-۰/۰۱۴	۵۴۲	۰/۷۹۲	-	-۰/۰۱	D	
۵۶۲	۰/۶۴۸	-	-۰/۰۱۹	۵۴۲	۰/۷۹۵	-	-۰/۰۱۱	Rho	
۵۶۲	۰/۱۲۳	۱۲	۱۷/۴۷۵	۵۴۵	۰/۰۰	۱۲	۳۷/۵۱	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با دفعات شرکت در آموزش خانواده
۵۶۲	۰/۷۹۴	-	-۰/۰۰۹	۵۴۵	۰/۲۲	۳	۰/۰۲۳	D	
۵۶۲	۰/۷۹۸	-	-۰/۰۱۱	۵۴۵	۰/۳۳۹	-	-۰/۰۴۱	Rho	
۵۶۲	۰/۰۰	۲۰	۱۰۴/۶۷	۵۴۵	۰/۰۰	۲۰	۸۰/۵۶۸	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با استفاده از ویدیو
۵۶۲	۰/۰۰	-	-۰/۲۵۲	۵۴۵	۰/۰۰	-	-۰/۱۴۵	D	
۵۶۲	۰/۰۰	-	-۰/۳۱۲	۵۴۵	۰/۰۰	-	-۰/۱۷۹	Rho	
۵۴۳	۰/۰۰	۱۲	۴۷/۳۴۹	۵۱۸	۰/۰۰	۱۲	۴۴/۵۸۲	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با تحصیلات پدر
۵۴۳	۰/۰۰۲	-	-۰/۱۱۷	۵۱۸	۰/۲۳۷	-	-۰/۰۴۶	D	
۵۴۳	۰/۰۰۲	-	-۰/۱۳۵	۵۱۸	۰/۲۲۹	-	-۰/۰۵۳	Rho	
۵۴۵	۰/۰۰	۱۲	۷۴/۶	۵۳۱	۰/۳۹۱	۱۲	۱۴/۱۵	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با تحصیلات مادر
۵۴۵	۰/۰۰	-	-۰/۲۰۲	۵۳۱	۰/۷۶۴	-	-۰/۰۱۱	D	
۵۴۵	۰/۰۰	-	-۰/۲۲۳	۵۳۱	۰/۷۶۱	-	-۰/۰۱۳	Rho	
۵۵۰	۰/۴۲۰	۸	۸/۱۲۷	۵۳۰	۰/۰۱۹	۸	۱۸/۲۴	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با فاصله سنی دانش‌آموز و پدر
۵۵۰	۰/۳۶۷	-	-۰/۰۳۶	۵۳۰	۰/۱۰۳	-	-۰/۰۶۳	D	
۵۵۰	۰/۳۵۳	-	-۰/۰۴	۵۳۰	۰/۱۱	-	-۰/۰۷	Rho	
۵۵۵	۰/۰۹۸	۸	۱۲/۴۱	۵۲۲	۰/۰۰	۸	۳۲/۷۲	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با فاصله سنی دانش‌آموز و مادر
۵۵۵	۰/۴۰۱	-	-۰/۰۳۹	۵۲۲	۰/۰۶۷	-	-۰/۰۸	D	
۵۵۵	۰/۳۹۱	-	-۰/۰۳۶	۵۲۲	۰/۰۶۹	-	-۰/۰۸	Rho	
۵۳۹	۰/۰۰۶	۸	۲۱/۲۶	۵۱۳	۰/۰۰	۸	۳۰/۱	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با درآمد ماهیانه خانواده
۵۳۹	۰/۰۰	-	-۰/۱۴۷	۵۱۳	۰/۱۰۶	-	-۰/۰۶۸	D	
۵۳۹	۰/۰۰	-	-۰/۱۷	۵۱۳	۰/۰۹۵	-	-۰/۰۷۴	Rho	
۵۶۲	۰/۰۲۲	۸	۱۷/۸۸۷	۵۴۵	۰/۰۰۲	۸	۲۴/۰۱	X2	ناهمسویی دینی - اخلاقی دانش‌آموز و مدرسه با ساعات صرف وقت دانش‌آموز با دوستان
۵۶۲	۰/۲۶۳	-	-۰/۰۴۶	۵۴۵	۰/۸۲۲	-	-۰/۰۰۹	D	
۵۶۲	۰/۲۶۷	-	-۰/۰۴۶	۵۴۵	۰/۸۲۴	-	-۰/۰۱	Rho	

جدول ۲: آزمون‌های ناهمسویی آموزشی دانش‌آموزان با مدرسه و سایر عوامل

دختر				پسر				نوع آزمون	ناهمسویی و سایر عوامل
N	sig	df	مقدار	N	sig	df	مقدار		
۵۶۵	۰/۰۱۵	۲۰	۳۶/۰۶	۵۵۴	۰/۰۰	۲۰	۵۸/۸۹	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۶۵	۰/۱۸۶۸	-	-۰/۰۰۶	۵۵۴	۰/۹۲۲	-	-۰/۰۰۳	D	دفعات تماس والدین با مدرسه
۵۶۸	۰/۱۸۹۵	-	-۰/۰۰۶	۵۵۴	۰/۹۵	-	-۰/۰۰۳	Rho	
۵۶۸	۰/۰۰۴	۱۲	۲۸/۸۴	۵۵۷	۲/۰۰	۱۲	۴۰/۹۵	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۶۸	۰/۵۷۲	-	۰/۰۲	۵۵۷	۰/۱۶	-	-۰/۵۳	D	دفعات شرکت در آموزش خانواده
۵۶۸	۰/۵۶۲	-	۰/۰۲۴	۵۵۷	۰/۴۱	-	-۰/۰۶۳	Rho	
۵۶۸	۰/۰۰	۲۰	۸۱/۲۷	۵۵۷	۰/۰۰	۲۰	۶۷/۴۴	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۶۸	۰/۰۰	-	-۰/۱۵۵	۵۵۷	۰/۲۴۴	-	-۰/۰۳۹	D	استفاده از ویدیو
۵۶۸	۰/۰۰	-	۰/۱۹۲	۵۵۷	۰/۲۳۹	-	-۰/۰۵	Rho	
۵۶۹	۰/۰۰۵	۱۲	۲۸/۷۸	۵۲۸	۰/۰۰۵	۱۲	۲۸/۳۸	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه یا
۵۲۸	۰/۰۲۹	-	۰/۰۷۸	۵۲۸	۰/۲۳۳	-	۰/۰۴۶	D	تحصیلات پدر
۵۲۸	۰/۰۲۳	-	۰/۰۸۱	۵۲۸	۰/۲۱۲	-	۰/۰۵۴	Rho	
۵۵۱	۰/۳۸	۱۲	۱۲/۸۴	۵۴۳	۰/۰۰۱	۱۲	۳۴/۲۲	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه یا
۵۵۱	۰/۰۱۱	-	۰/۰۹۷	۵۴۳	۰/۰۶۹	-	۰/۰۶۵	D	تحصیلات مادر
۵۵۱	۰/۰۱	-	۰/۱۰۹	۵۴۳	۰/۰۷	-	۰/۰۷۸	Rho	
۵۵۶	۰/۱۵۱	۸	۱۲/۰۰	۵۴۱	۰/۰۴۶	۸	۱۵/۷۵	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۵۶	۰/۴۲۷	-	-۰/۰۳۲	۵۴۱	۰/۸۷۵	-	۰/۰۰۶	D	فاصله سنی دانش‌آموز و مادر
۵۵۶	۰/۴۱۶	-	-۰/۰۳۵	۵۴۱	۰/۸۷۲	-	۰/۰۰۷	Rho	
۵۶۱	۰/۱۵۱	۸	۱۲/۰۰	۵۲۳	۰/۰۴۶	۸	۱۵/۷۳	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۶۱	۰/۲۸۳	-	۰/۰۴۹	۵۲۳	۰/۴۷۲	-	-۰/۰۳۳	D	فاصله سنی دانش‌آموز و پدر
۵۶۱	۰/۲۶۵	-	۰/۰۴۷	۵۲۳	۰/۴۶	-	-۰/۰۳۲	Rho	
۵۴۵	۰/۰۰۶	۸	۲۱/۳۸	۵۲۴	۰/۰۰۲	۸	۲۲/۹	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۴۵	۰/۰۰۱	-	۰/۱۳۷	۵۲۴	۰/۴۹	-	۰/۰۲۹	D	درآمد ماهیانه خانواده
۵۴۵	۰/۰۰۱	-	۰/۱۴۹	۵۲۴	۰/۵۲	-	۰/۰۲۸	Rho	
۵۶۸	۰/۰۶۴	۸	۱۴/۷۷	۵۵۷	۰/۰۰	۸	۲۹/۶۲	X2	ناهمسویی آموزشی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۶۸	۰/۱۴۶	-	۰/۰۵۹	۵۵۷	۰/۸۷۱	-	۰/۰۰۷	D	ساعات صرف وقت دانش‌آموز با دوستان
۵۶۸	۰/۱۴۹	-	۰/۰۶۱	۵۵۷	۰/۸۹۲	-	۰/۰۱۶	Rho	

جدول ۳: آزمون‌های ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه و سایر عوامل

دختر				پسر				نوع آزمون	ناهمسویی و سایر عوامل
N	sig	df	مقدار	N	sig	df	مقدار		
۵۵۲	۰/۰۰	۲۰	۸۷/۱۲	۱۵۴۰	۰/۰۲۴	۲۰	۲۱/۹۴	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۵۲	۰/۰۲۹	-	۰/۰۷۶	۵۴۰	۰/۴۱۲	-	۰۰/۰۲۷	D	دفعات تماس والدین با مدرسه
	۰/۰۲۵		۰/۰۹۵		۰/۴۰۶		۰۰/۰۲۶	Rho	
۵۵۲	۰/۰۰	۱۲	۳۴/۸۸	۵۴۰	۰/۰۲	۱۲	۲۲/۷۸	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۵۲	۰/۰۱	-	۰۰/۰۹۳	۵۴۰	۰/۴۴۵	-	۰۰/۰۲۸	D	دفعات شرکت در آموزش خانواده
	۰/۰۱۲		۰۰/۱۰۷		۰/۴۳۷		۰۰/۰۳۳	Rho	
۵۵۲	۰/۰۰	۲۰	۹۹/۴۴	۵۴۰	۰/۰۰	۲۰	۵۳/۳۴	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۵۲	۰/۰۰	-	۰/۱۷۸	۵۴۰	۰/۱۰۹	-	۰/۰۵۶	D	استفاده از ویدیو
	۰/۰۰		۰/۲۲۲		۰/۰۹۴		۰/۰۷۲	Rho	
۵۲۵	۰/۰۰۹	۱۲	۲۶/۲۸	۵۱۲	۰/۰۰۰	۱۲	۲۵/۱۹	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۲۵	۰/۰۱۳	-	۰/۰۹۲	۵۱۲	۰/۲۶۷	-	۰۰/۰۰۲	D	تحصیلات پدر
	۰/۰۱۳		۰/۱۰۷		۰/۲۹۲		۰۰/۰۴۷	Rho	
۵۲۸	۰/۰۰	۱۲	۴۷/۷	۵۲۶	۰/۲۱	۱۲	۱۵/۶	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۲۸	۰/۰۰۸	-	۰/۱۰۲	۵۲۶	۰/۳۵۶	-	۰۰/۰۲۴	D	تحصیلات مادر
	۰/۰۰۷		۰/۱۱۵		۰/۳۶۶		۰۰/۰۰۴	Rho	
۵۴۱	۰/۰۰۱	۸	۲۷/۰۶	۵۲۴	۰/۱۳۷	۸	۱۲/۳۲	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۴۱	۰/۱۲۵	-	۰/۰۶	۵۲۴	۰/۰۲۹	-	۰۰/۰۸۶	D	فاصله سنی دانش‌آموز و مادر
	۰/۱۳۴		۰/۰۶۵		۰/۰۲		۰۰/۰۹۵	Rho	
۵۴۶	۰/۰۰	۸	۳۱/۲	۵۱۶	۰/۲۵۷	۸	۱۰/۱۲	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۴۶	۰/۰۹۴	-	۰/۰۷۸	۵۱۶	۰/۶۲۸	-	۰/۰۲۱	D	فاصله سنی دانش‌آموز و پدر
	۰/۰۸۵		۰/۰۷۴		۰/۶۲۸		۰/۰۲۱	Rho	
۵۲۰	۰/۰۵۹	۸	۱۵/۰۱	۵۰۸	۰/۳۴۳	۸	۸/۹۹	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۲۰	۰/۰۳۳	-	۰/۰۸۵	۵۰۸	۰/۱۰۲	-	۰/۰۶۸	D	درآمد ماهیانه خانواده
	۰/۰۳۲		۰/۰۹۳		۰/۰۹۷		۰/۰۷۴	Rho	
۵۵۲	۰/۵۶۵	۸	۶/۱۳	۵۴۰	۰/۰۰	۸	۳۹/۳۱	X2	ناهمسویی سیاسی دانش‌آموز و مدرسه با
۵۵۲	۰/۱۱۱	-	۰/۰۶۴	۵۴۰	۰/۰۰۳	-	۰/۱۲۳	D	ساعات صرف وقت دانش‌آموز با دوستان
	۰/۱۱۲		۰/۰۶۷		۰/۰۰۳		۰/۱۲۸	Rho	

تحلیل آزمون‌های آماری جدول (۲):

۱) با احتمال ۹۹ و ۹۵ درصد اطمینان، بین ناهمسویی دانش‌آموزان در امور آموزشی با دفعات تماس والدین با مدرسه، دفعات شرکت والدین در جلسات آموزش خانواده، دارا بودن وسایل دیداری- شنیداری، تحصیلات پدر دانش‌آموزان و تحصیلات مادر دانش‌آموزان پسر، فاصله‌ی سنی پسران با پدر، درآمد خانواده، و ساعات صرف وقت با دوستان صمیمی‌شان در طول هفته، رابطه‌ی معناداری وجود داشته است.

۲) شدت رابطه بین ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه در امور آموزشی، با دفعات تماس والدین با مدرسه، شرکت والدین دختران در جلسات آموزش خانواده، لوازم دیداری- شنیداری در خانواده‌ی دختران، و درآمد خانواده‌ی دانش‌آموزان پسر بیش‌تر از سایر عوامل بوده است.

۳) جهت رابطه بین دفعات تماس والدین دانش‌آموزان، دفعات شرکت والدین در کلاس‌های آموزش خانواده، فاصله‌ی سنی دختران با پدرانشان، فاصله‌ی سنی پسران با مادرانشان، با میزان ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه در امور آموزشی، معکوس یا منفی بوده است.

تحلیل آزمون‌های آماری جدول (۳):

۱) با احتمال ۹۹ و ۹۵ درصد اطمینان، بین ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه با دفعات تماس والدین با مدرسه، دفعات شرکت والدین در جلسات آموزش خانواده، وجود لوازم دیداری- شنیداری در خانواده، تحصیلات پدر، و همچنین تحصیلات مادر دختران، فاصله‌ی سنی دختران با پدر و مادرشان، و ساعات صرف وقت پسران با دوستانشان در طول هفته، رابطه‌ی معناداری بوده است.

۲) شدت رابطه بین ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه با وجود لوازم دیداری- شنیداری در خانواده، تحصیلات مادر دختران و ساعات صرف وقت پسران با دوستانشان در طول هفته نسبت به سایر عوامل بیش‌تر بوده است.

۳) جهت رابطه بین دفعات تماس والدین با مدرسه، دفعات شرکت والدین پسران در کلاس‌های آموزش خانواده، تحصیلات پدر پسران، تحصیلات مادر

پسران و فاصله‌ی سنی دانش‌آموزان پسر با پدرانشان، با میزان ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه، معکوس (منفی) بوده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهند: اکثریت دانش‌آموزان (چه دختر و چه پسر) نسبت به هنجارهای دینی-اخلاقی، آموزشی و سیاسی مطرح شده گرایش منفی داشته‌اند؛ دوستان صمیمی آن‌ها نیز مانند خودشان چنین گرایشی داشته‌اند؛ در حالی که پدر و مادر آن‌ها گرایش مثبت‌تری نسبت به این هنجارها داشته و مربیان تربیتی نیز گرایش کاملاً مثبتی به هنجارهای موردنظر داشته‌اند.

همچنین ملاحظه شده است که آن‌ها ابتدا با دوستان صمیمی خود، سپس با مادر، پدر و در آخر با مربیان تربیتی که نمایندگان اصلی مقررات رسمی مدرسه محسوب می‌شوند، همسویی داشته‌اند. تقریباً اکثریت دانش‌آموزان، دیدگاه دوستان صمیمی و خانواده‌ی خود را بر دیدگاه مربیان تربیتی درباره‌ی هنجارهای دینی-اخلاقی، آموزشی و سیاسی ترجیح داده‌اند. از طرف دیگر طبق یافته‌های این پژوهش، اکثریت دانش‌آموزان (هم دختر و هم پسر) بیش‌ترین ناهمسویی با مدرسه در امور دینی-اخلاقی و در مرتبه‌ی بعد سیاسی داشته‌اند. به بیان صریح‌تر، جریان‌ات سیاسی در چند ساله‌ی اخیر تا اندازه‌ای از تعارضات سیاسی بین خانه و مدرسه کاسته‌اند. هر چند هنوز اختلاف نظر و ناهمسویی در امور دینی-اخلاقی و مسائل آموزشی چه بین خانه و مدرسه و چه بین دانش‌آموزان با مدرسه در درجه‌ی بالایی قرار دارد، با این همه، در مواردی نیز رابطه‌ی گرایش دانش‌آموزان با گرایش مربیان امور تربیتی معکوس بوده است؛ یعنی این که با مخالفت بیش‌تر مربیان امور تربیتی در محورهای یاد شده (امور دینی-اخلاقی، آموزشی یا سیاسی)، موافقت دانش‌آموزان، هم دختر و هم پسر زیادتر شده است. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نصایح، گفته‌ها و عملکرد مربیان تربیتی در دبیرستان‌ها در پاره‌ای از زمینه‌ها به جای آن که موجب اصلاح رفتار دانش‌آموزان گردد، برعکس موجب اشتیاق آن‌ها به جنبه‌های منفی آن عمل گردیده است. به علاوه ملاحظه شده است که ناهمسویی دینی-اخلاقی دانش‌آموزان با مدرسه و فاصله‌ی سنی با والدینشان رابطه معکوس داشته است؛ در نتیجه فاصله‌ی سنی کم‌تر با والدین (در واقع

جوان تر بودن والدین) ناهمسویی دینی- اخلاقی بیش تر دانش آموزان را موجب شده است و برعکس. البته ناهمسویی دینی- اخلاقی خانهای (والدین) دانش آموزان با مدرسه (مربیان تربیتی شان) نیز بیش از ۶۰٪ بوده است. با این تذکر که ناهمسویی دینی- اخلاقی خانه و مدرسه نظیر سایر محورها هر چند یک سطح اختلاف و یا سطوحی کم تر از دانش آموزان را در بر می گیرد، با این وجود، ناهمسویی دینی- اخلاقی یا سایر ناهمسویی دانش آموزان با مدرسه دو سطح و بیش تر از آن را نشان می دهد. در هر صورت آزمون های آماری حاکی از آن است که میزان اختلاف نظر و ناهمسویی بین دانش آموزان و مدرسه تا اندازه ی زیادی تحت تاثیر اختلاف نظر و ناهمسویی خانه و مدرسه ی آنان است؛ جهت رابطه بین ناهمسویی دانش آموزان و مدرسه و یا ناهمسویی خانه و مدرسه در امور دینی، نیز مستقیم بوده است. ناهمسویی دینی- اخلاقی پسران دانش آموز بیش تر از دختران دانش آموز بوده و با افزایش دفعات تماس والدین با مدرسه از ناهمسویی دانش آموزان با مدرسه کاسته شده است و برعکس. استفاده از لوازم دیداری- شنیداری، ساعات صرف وقت با دوستان صمیمی، دفعات شرکت والدین در جلسات آموزش خانواده و تحصیلات والدین با ناهمسویی دینی- اخلاقی دانش آموزان رابطه ی مستقیم داشته است. به بیان روشن تر با افزایش هر یک از این متغیرها، ناهمسویی نیز افزایش یافته و برعکس. البته دفعات شرکت والدین پسران در جلسات آموزش خانواده با ناهمسویی آموزشی دانش آموزان با مدرسه رابطه ی غیر مستقیم داشته است؛ یعنی این که کلاس های آموزش خانواده در مدارس پسران در این امر، از کارایی لازم برخوردار نبوده و تقریباً نتیجه ای معکوس داده است؛ چرا که ناهمسویی دانش آموزان عملاً بیش تر شده است. ناهمسویی آموزشی دانش آموزان با مدرسه بیش از ۷۰٪ بوده است؛ البته بیش ترین میزان، یک یا دو سطح از اختلاف (ناهمسویی) را در بر می گیرد. دفعات شرکت والدین دختران در جلسات آموزش خانواده، با ناهمسویی آموزشی دانش آموزان دختر با مدرسه، مستقیم بوده است؛ و دفعات تماس والدین با مدرسه با میزان ناهمسویی آموزشی دانش آموزان (هم دختر و هم پسر) رابطه ی مستقیم داشته است. سایر متغیرها

نظیر: تحصیلات پدر و مادر، استفاده از لوازم سمعی، بصری (ویدیو، ماهواره-اینترنت و...)، درآمد ماهیانه‌ی خانواده و ساعات صرف وقت با دوستان صمیمی خارج از محیط مدرسه با ناهمسویی آموزشی دانش‌آموزان با مدرسه رابطه‌ی مستقیم داشته است. رابطه‌ی بسیاری از این متغیرها با ناهمسویی آموزشی دانش‌آموزان با مدرسه قابل فهم و پیش‌بینی است.

اما در مورد درآمد ماهیانه باید اذعان کرد که خانواده‌های پر درآمد، انتظارات بیش‌تری از مدرسه داشته و احتمالاً با توقعات بیش‌تر فرزندانشان از مدرسه، این ناهمسویی نیز بیش‌تر شده است؛ ضمن آن‌که که تحصیلات پدر دانش‌آموزان پسر با ناهمسویی آموزشی خانه و مدرسه رابطه‌ی معکوس داشته است. مسلماً تماس بیش‌تر خانه و مدرسه به وفاق و همدلی بیش‌تر و حل اختلافات آن‌ها در امور آموزشی منجر شده است و برعکس.

در خصوص ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه ملاحظه گردیده که اکثریت دانش‌آموزان (بیش از ۶۰٪ آنان) در این مورد ناهمسویی داشته‌اند. البته در مجموع ناهمسویی سیاسی دختران بیش از پسران بوده و به طور کلی ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه از ناهمسویی‌های دیگر نظیر: دینی-اخلاقی و آموزشی کم‌تر بوده است. به‌علاوه مشاهده شده است که دفعات شرکت والدین در جلسات آموزش خانواده و دفعات تماس والدین با مدرسه با ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه، رابطه‌ی معکوس داشته است. احتمالاً در تماس‌های والدین و یا در جلسات آموزش خانواده وفاق سیاسی مثبتی به وجود آمده و نقطه نظرات خانه و مدرسه به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود (برعکس امور آموزشی)؛ در حالی که ساعات صرف وقت با دوستان صمیمی؛ بهره‌گیری بیش‌تر از لوازم دیداری-شنیداری (ماهواره-ویدیو، اینترنت و...) و سایر متغیرها با ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان با مدرسه رابطه‌ی مستقیم داشته است؛ در واقع با افزایش این متغیرها، ناهمسویی سیاسی دانش‌آموزان نیز افزایش یافته است و برعکس، از طرف دیگر هر چه ناهمسویی سیاسی خانه و مدرسه نسبت به سایر ناهمسویی‌ها (دینی-اخلاقی و آموزشی) کم‌تر بوده با این وجود ۵۷٪ درصد، خانه و مدرسه‌ی دانش‌آموزان در امور

سیاسی با یکدیگر ناهمسویی داشته‌اند. البته ناهمسویی سیاسی خانه و مدرسه‌ی دختران بیش‌تر از پسران بوده است.

به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در حال حاضر بین هنجارهای اجتماعی (تحذیری و تجویزی) خانه و مدرسه در امور مختلف دینی-اخلاقی، آموزشی و سیاسی، ناهمسویی وجود دارد و این ناهمسویی با ناهمسویی دانش‌آموزان با مدرسه مرتبط بوده و متأسفانه یک سطح اختلاف نظر و ناهمسویی خانه و مدرسه، دو سطح و بیش‌تر اختلاف نظر و ناهمسویی بین دانش‌آموزان و مدرسه را موجب می‌شود و این خود زنگ خطری برای خانواده‌ها و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش است که می‌یابد بیش از پیش به آن توجه کنند.

در پایان این پژوهش پیشنهاد می‌شود، جلسات آموزش خانواده تقویت شده و از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان و اتخاذ راه‌کارهای مفید همه‌ی والدین و مسؤولین تلاش کنند تا هر چه بیش‌تر نقطه نظرات خود را در امور دینی-اخلاقی، آموزشی و سیاسی به یکدیگر نزدیک کنند. مسلماً نتیجه‌ی این اقدام، تربیت فرزندان و دانش‌آموزانی هماهنگ با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه و افرادی همسو با خواسته‌ها و آرمان‌های خانوادگی و نظام رسمی آموزش و پرورش، همچنین مثمرتر به حال خودشان و جامعه خواهد بود.

منابع و یادداشت‌ها

- ۱) توسلی، غلامعباس؛ (۱۳۷۵)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ انتشارات سمت؛ تهران
- ۲) آگبرن و نمکف؛ (۱۳۵۸)؛ زمینه‌ی جامعه‌شناسی؛ ترجمه‌ی ا. ح. آریانی‌پور؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران
- ۳) نیک‌گهر، عبدالحسین؛ (۱۳۶۹)؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ انتشارات رایزن؛ تهران
- ۴) همان منابع
- ۵) علاقه‌بند، علی؛ (۱۳۷۴)؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش؛ چاپ حیدری؛ تهران
- ۶) رفیع‌پور، فرامرز؛ (۱۳۷۱)؛ کندوکاوها و پنداشته‌ها؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار؛ فصل‌سنجش و اندازه‌گیری.
- ۷) آمار آموزش و پرورش؛ سال تحصیلی ۸۰-۸۱؛ منتشره از طرف دفتر خدمات ماشینی آمار و اطلاعات وزارت آموزش و پرورش؛ فصل شهر تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی